

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 13 (49), Winter 2024 <a href="https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit">https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit</a> ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979884
----------	---

Research Article

## A Research on Social Incompatibility in the Poems of Naz Al-Malaika and Abdul Wahab Al-Bayati

**Dadfar Hamid (Corresponding Author)**

Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran  
E-Mail: Hamid\_dadfar135@yahoo.com

**Jahani Hehieh**

Ph.D. Graduated, Department of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

### Abstract

One of the clear and obvious manifestations of new poetry in contemporary Iraq is the phenomenon of social disharmony, this phenomenon emerged in the 20th century with the emergence of Iraqi pioneers such as (Nazok Al-Malaika and Abdul Wahab Al-Bayati, etc.), imitation of the traditional structure, familiarity with the romantic school and the political and social situations of the Iraqi society, these poets became incompatible. They have displayed this literary effect in three ways: literary, political and social inconsistency in their poetry. Their incompatibility in appearance led to the appearance of "Prose Poem" and in the sense of poetry, it caused the awakening and awareness of the Iraqi people and the promotion of the social vision of different social classes. These poets have endured a lot of suffering in creating innovation, such as prison, exile, displacement and alienation, so fear, loneliness, sadness cast a shadow on most of their poems. These poets have been able to express realistic themes and concepts in the form of inconsistency and they are a new spirit in the body of modern poetry. Due to the unfavorable political situation, they used myth and code and repetition style in their poems and were able to transform new poetry so that it can respond to an important part of the concerns of the modern world.

**Keywords:** Contemporary Arabic poetry. Social disharmony, "Nazok Al-Malaika", "Abd al-Wahhab Bayati".

**Citation:** Dadfar, H.; Jahani, H. (2024). A Research on Social Incompatibility in the Poems of Naz Al-Malaika and Abdul Wahab Al-Bayati. *Journal of Studies in Lyrical Language and Literature*, 13 (49), 94-107. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979884

### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## جستاری در اشعار نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی

حمید دادفر<sup>۱</sup>

هدیه جهانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از جلوه‌های بارز و آشکار شعر نو در عراق معاصر پدیده ناسازگاری اجتماعی است. این پدیده در قرن بیستم و با ظهور پیشگامان عراق چون، نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی به وجود آمد. تقلید از ساختار سنتی، آشنایی با مکتب رمانتیک و موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه عراق باعث شد تا این شاعران به ناسازگاری روی بیاورند. آنها این جلوه ادبی را به سه گونه ناسازگاری ادبی، سیاسی و اجتماعی در شعر خود به نمایش گذاشته‌اند. ناسازگاری آنها در ظاهر موجب ظهور «قصیده‌الثر» شد و شعر موجب بیداری و آگاهی مردم عراق و ارتقای بینش اجتماعی طبقات مختلف اجتماعی گردید. این شاعران در ایجاد نوآوری رنج‌های زیادی را تحمل کرده‌اند، رنج‌هایی از قبیل زندان، تبعید، آوارگی و غربت، لذا ترس، تنهایی، غم و اندوه بر بیشتر اشعار آنها سایه افکنده است. این شاعران توانسته‌اند مضامین و مفاهیم واقع‌گرایانه را در قالب ناسازگاری بیان کنند و در کالبد شعر مدرن روح تازه‌ای بدمند. آنان به خاطر اوضاع سیاسی نامطلوب از اسطوره و رمز و اسلوب تکرار در اشعار خود استفاده کردند و توانستند شعر نو را چنان متحول کنند که بتواند به بخش مهمی از دغدغه‌های دنیای مدرن پاسخ بدهد.

**کلیدواژه‌ها:** شعر معاصر عربی، ناسازگاری اجتماعی، نازک الملائکه، عبدالوهاب بیاتی.

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسئول). Hamid\_dadfar135@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## ۱. مقدمه

عراق را مرکز شعر نو در قرن بیستم می‌دانند. این کشور در قرن بیستم شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و ادبی بود. آثار شوم و ویرانگر جنگ‌های جهانی اول و دوم بر این کشور، ظلم داخلی برخی از حاکمان، پیروزی‌ها و شکست‌های سیاسی این کشور، مسئله فلسطین، ناآرامی‌های اجتماعی، تحول و دگرگونی از جمله مهمترین تحولات ساختار شعری و پیدایش شعر نو است. نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی از پیشگامان عرصه جدید شعر در عراق و حتی جهان عرب به شمار می‌روند. این شاعران با مشاهده تمام تحولات سیاسی و اجتماعی چشم به جهان گشودند و با توجه به موقعیت ادبی خود و درک عمیقی که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کردند، با این امور به مخالفت برخاستند. این مسائل توانست تصویر روشن و در عین حال انقلابی برای جهان عرب و نسل‌های آینده ارائه دهد. این شاعران علیرغم تناقض توانستند مفاهیم و تعابیر جدیدی را در شعر نو بیافریند و فضای سیاسی موجود را به زبانی ساده ولی پرابهام بیان کنند. آنها با وجود این تناقض نتایج مثبتی را برای مردم عراق و جهان عرب به ارمغان آوردند و از سوی دیگر نتایج منفی مانند آوارگی، فقر، زندان و غم و اندوه را برای خود رقم زدند. با پرداختن به شعر شاعران یادشده، روشن می‌شود که آنها چگونه توانستند در فضای ناسالم سیاسی و اجتماعی، تناقض خود را به زیبایی و هنرمندانه بیان کنند و توانسته‌اند حقه‌ها و دروغ‌هایی را که دیگر شاعران عراقی از انجام آن عاجز بودند، افشا کنند.

«تناقض در لغت به معنای تکبر و فراتر رفتن از حدود است» (بندربیگی، ۱۳۷۴: ۵۲۹)، همچنین این واژه در لغت به معنای شکستن ساختار، دعوا، اعتراض، ترک مقامات، قوانین، سنت‌ها، نظرات و ارزش‌های منفی به کار می‌رود. معنا و مفهومی که محقق برای تناقض در این تحقیق اتخاذ می‌کند، تضاد مثبت است که در پیشرفت و سرنوشت جامعه مؤثر است و آن را به سوی جامعه آرمانی سوق می‌دهد. ویژگی ناسازگاری در شعر شاعران نوگرای عراق جلوه بارزی دارد، این شاعران برای تحقق آزادی از دست‌رفته‌ای که به خاطر بازی‌های سیاسی، استبداد داخلی و استعمار خارجی و نیز اوضاع خفت‌بار اجتماعی، فکری و فرهنگی به فراموشی سپرده شده بود، به شورش علیه هر آنچه آزادی، هویت و شخصیت آنها را منکوب می‌کرد روی آوردند. «ناسازگاری یکی از جلوه‌های شعر نو عربی است که به عنوان یکی از ابعاد اساسی انسانیت تلقی می‌شود» (فاروق، ۱۳۸۳: ۷). این پدیده نوظهور در عراق بیش از دیگر کشورهای عربی بر شعر مدرن سایه افکند و شاعران مدرن این منطقه از آن بهره بردند. روشن است که شاعران آن نسل در این رویکرد پیشرو بودند و راه را برای بازبینی، بررسی شعر، سنت و تغییرات شکلی و محتوایی آن برای اهل ذوق و اندیشه باز کردند. در همین زمینه و در اوج شعر معاصر عربی، نام شاعران نوگرای انقلابی چون نازک الملائکه (۲۰۰۷-۱۹۲۳) و عبدالوهاب البیاتی (۱۹۹۹-۱۹۲۶) می‌درخشد. این شاعران مضامین و مفاهیم واقع‌گرایانه را در قالب جدیدی بیان کردند و توانستند با این کار شعر نو را بیافرینند. اضافه کردن مطالب مفید و رساندن شعر به درجه تعالی و پاسخگویی به بخش مهمی از دغدغه‌های عصر مدرن از جمله اعمالی بود که این شاعران بدان دست یافتند (العطیه: ۱۹۹۴، ۵۶۳-۵۸۰). پدیده مذکور در قالب نقد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در آثار ایشان نمود خاصی یافت.

شاعران یادشده توانستند به برکت مقامی که داشتند و نبوغ فراوانی که در سرودن شعر نو از خود نشان دادند، ناسازگاری را به بهترین شیوه بیان و در شعر نو آشکار کنند و در این عرصه هنر به نمایش گذاشتند تا جایی که پژوهشگران شعر نو، با نگاهی گذرا به عنوان شعرهایشان، شورش را در شعرها احساس می‌کنند؛ بنابراین با توجه به فراز و نشیب‌های فکری، سیاسی و اجتماعی دوران مدرن عراق، اگر واکنش شاعران معاصر عراق را به وضعیت موجود از طریق اشعارشان تحلیل کنیم، می‌توانیم بهتر به ویژگی‌های شعری آنها پی ببریم.

پژوهش حاضر سعی دارد تا با بررسی و تجزیه و تحلیل شعر نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی به تشریح ناسازگاری در شعر نو پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. چه عواملی در رویکرد شاعران به ناسازگاری نقش داشته‌اند؟
۲. انواع ناسازگاری در شعر نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی چگونه نمود پیدا کرده است؟
۳. ناسازگاری شاعران چه تأثیرات ادبی، سیاسی و اجتماعی را به دنبال داشته است؟

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه ناسازگاری و شورش انجام شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ از جمله کتاب یوسف عبدالجلیل به نام *(المواقف الانسانیة فی الشعر الجاهلی، ۱۹۸۹)* که بخشی از آن به شورش اجتماعی در شعر جاهلی، اختصاص یافته است یا مقاله صالح علی الشیتوی به نام *(ظواهر التمرد فی نماذج من الشعرا العباسی، ۲۰۰۴، دمشق، شماره اول و دوم)* که به گونه‌های شورش در شعر عباسی اول و تحلیل این پدیده در شعر آنها پرداخته است؛ اما تاکنون در شعر نو به بحث ناسازگاری پرداخته نشده است. در زمینه شعر نو و شاعران نوگرای عراق کتاب‌ها و پژوهش‌های زیادی انجام شده است، همچون کتاب جلال الخیاط به نام *(الشعر العراقي الحديث مرحلة و تطور، ۱۹۷۰)* که به موضوع شعر نو عراق و زمینه‌های پیدایش آن پرداخته است و در بخشی از آن به بحران‌های سیاسی که ادبیات معاصر عراق را در بر گرفته اشاره کرده است. در کتاب محمد راضی جعفر به نام *(الاغتراب فی الشعر العراقي المعاصر در مرحله الرواد ۱۹۹۹)* در فصل اول به انواع غربت و چگونگی نمود آن در شعر شاعران و در فصل‌های بعدی به ساختار لغوی، تصویری و موسیقی شاعران نوگرای عراق پرداخته شده است. کتاب میربصری با عنوان *(اعلام الادب فی العراق الحديث «الجزء الثاني» ۱۹۹۴)* به حیات ادبی و فکری شاعران مطرح در این پژوهش پرداخته و بیشتر جنبه تاریخ ادبیاتی پیدا کرده است. همچنین در کتاب مالک یوسف المطلبی به نام *(الترکیب اللغوی للشعر العراقي المعاصر البیاتی، ملائکه و السیاب، ۱۹۸۱)* به بررسی لغوی و ساختار فنی شعر این سه شاعر پرداخته و به جنبه‌های دیگر شعری آنها اشاره نشده است. در کتاب محمد علی کندی تحت عنوان *(الرمز و القناع فی الشعر العربي الحديث السیاب، نازک و البیاتی، ۲۰۰۳)* در باب اول به بحث تراث یا ادبیات تطبیقی و جلوه‌های رمز و اسطوره در شعر این سه شاعر نوگرای عراقی اشاره شده و در باب دوم انواع قناع تحلیل و بررسی شده و در کتاب‌های دسته اولی همچون کتاب عزالدین اسماعیل *(الشعر العربي المعاصر، ۲۰۰۷)* در قسمت‌هایی از فصل‌های آن به بعضی از موضوعات شعر نو پرداخته شده است. کتاب محمد مصطفی هداره به نام *(فی الادب العربي الحديث، ۱۹۹۴)* که در فصل اول آن در مورد تطور شعر نو بحث شده و در آخر همان فصل به موضوع انسان در شعر نازک الملائکه اشاره گردیده و به ارتباط تخیل ادبی با متن ابداعی در شعر نو اشاره شده است و یا در کتاب نازک الملائکه به نام *(قضايا الشعر المعاصر ۱۹۸۶)* در فصل اول آن به شعر نو و ریشه‌های اجتماعی آن پرداخته شده و در فصل دوم آن موضوع عروض و قافیه در شعر نو مورد توجه قرار گرفته است و در فصل‌های بعد آن به خطاها و الحاق‌های شعر نو و همچنین ساختار قصیده مدرن پرداخته شده است. همچنین اگرچه در مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مجله‌های عربی و فارسی همچون رساله دکتری عبدالکریم راضی جعفر *(البنیه الموضوعیه فی الشعر الوجدانی الحديث فی العراق، ۱۹۷۶، دانشگاه بغداد)* به ساختارهای موضوعی، لغوی، تصویری، ریتمی و ساختار قصیده در شعر نو به طور کلی پرداخته و این ساختارها را به طور کلی در شعر بیشتر شاعران نوگرای عراق به نقد و بررسی گذاشته شده است، بدون اینکه به علل و عوامل این نوگرایی اشاره و یا به طور دقیق موشکافی شده باشد و در رساله دکتری ثابت الالوسی با موضوع *(ظواهر الغموض فی الشعر ال عربی المعاصر، ۱۹۸۵، دانشگاه بغداد)* به بحث ابهام و پیچیدگی در شعر معاصر و بهره‌گیری از تراث در شعر معاصر اشاره شده و

جلوه‌های آن در شعر شاعران معاصر عرب به‌طور کلی بررسی گردیده است. همچنین در مقاله‌هایی همچون مقاله رزوق فرج رزوق با عنوان (نازک الملائکه و التجربه الشعریه، ۱۹۷۶، شماره ۲۰، مجله دانشکده ادبیات، دانشگاه بغداد) به پیشگامی نازک الملائکه در شعر نو و نظریات و اندیشه‌های او در مورد شعر و به بعضی از مضامین شعری این شاعر پرداخته شده است و یا اینکه در مقاله‌های فارسی همچون؛ مقاله حسن دادخواه و محسن حیدری با موضوع (رمانتیسیم در شعر بدر شاکر السیاب، ۱۳۵۸، شماره ۱۹، مجله دانشکده ادبیات، شهید باهنر کرمان) ضمن اشاره به زندگی سیاب و پیشگامی او در شعر نو، به اصول و نحوه شکل‌گیری مکتب رمانتیسیم در غرب و زمینه‌های ورود آن به کشورهای عربی و نشانه‌هایی از مفاهیم رمانتیکی در شعر سیاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مقاله محمود آبدانان و کبری خسروی با نام (بررسی و تحلیل مضامین شعر نازک الملائکه، ۱۳۶۸، شماره ۱۵۷، مجله دانشگاه فردوسی مشهد) به مهمترین مضامین شعری نازک الملائکه همچون غم و اندوه، عشق، انسان، زندگی، مرگ، بازتاب غربت و عنصر زمان اشاره گردیده است؛ اما با این وجود، پژوهشی که پدیده شورش در شعر نوی پیشگامان عراق را بررسی کند، نگاشته نشده است. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن بررسی ناسازگاری به مثابه پدیده مستقل در شعر نو عربی و علل روی‌آوری شاعران نوگرای عراق، برای اولین بار به جلوه‌های ناسازگاری در شعر دو تن از شاعران مطرح «نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی» پرداخته و آثار و نتایج این پدیده را در شعر آنان بررسی کند.

## ۲. بحث

انسان موجودی است که راضی به زمان حال نیست و همیشه به آنچه در آینده باید اتفاق بیفتد میل دارد، پس بر آنچه هست عصبان می‌کند تا آنچه برای او بهترین است اتفاق بیفتد. در این راه شخص گناهکار متحمل ضررهای مالی و روانی می‌شود. فرد سرکش ابتدا باید آنچه را که جایگزین بهتر و در عین حال بهتر است رد کند در غیر این صورت قیام او طغیان منفی تلقی می‌شود که در نافرمانی ظاهر می‌شود. از این منظر می‌توان گفت: «عصیانگر، انقلابی است و انقلابی نیز عصیانگر محسوب می‌شود» (اسماعیل، ۱۳۸۶: ۴۱۲). مردم صفحه جدیدی در تاریخ ثبت می‌کنند، پس در واقع این طاغیان هستند که تاریخ‌سازند و تاریخ از دیرباز به واسطه مخالفت‌ها و اعتراض‌ها شکل گرفته است.

عوامل بسیاری بر شورش شاعران نوگرای عراقی تأثیر گذاشت؛ از جمله عوامل ادبی مانند تأثیر از مکتب رمانتیسیم و تقلید قوی از ساختار سنتی، عوامل سیاسی مانند استعمار و استبداد، جنگ جهانی دوم و اشغال فلسطین و عوامل اجتماعی همچون فقر، سکوت مردم و شاعران، بی‌عدالتی، تحقیر زنان، بی‌اعتمادی و بدبینی شاعران به مردم.

### ۲-۱. رمانتیسیم

از اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هجدهم، وضعیت اجتماعی و افکار عمومی مردم اروپا دستخوش تغییرات عظیمی شد. اروپاییان دریافتند که زبان ادبی مکتب کلاسیک قادر به بیان و انتقال افکار و احساسات درونی آنها نیست و سبک کلاسیک که مبتنی بر تقلید از نویسندگان سنتی است، مانع آزادی اندیشه و بیان می‌شود و به همین دلیل به دنبال تغییر در احساسات، ذوق هنری و شکل تخیل خود بودند. در واقع رمانتیسیم جریانی فلسفی و ادبی بود که بر رهایی از محدودیت‌ها در عرصه ادبیات به ویژه در شعر تأکید داشت و روحیه سرکش شاعران را در برابر سنت و سبک سنتی تقویت می‌کرد. «ظهور این مکتب ادبی در اروپا نتیجه زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی بود که از جمله آنها می‌توان به تبدیل بافت جامعه اروپا از فئودالی به بورژوازی، پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و ناامیدی از دموکراسی اشاره کرد» (دادخواه و الحیدری، ۱۳۸۵: ۲۴۴/۱۹).

در آغاز قرن بیستم، شعر معاصر عربی شاهد روندهای عاشقانه‌ای بود که نشانه‌های آن در تخیل و در قالب شعر آشکار بود. هنگامی که آتش جنگ جهانی دوم در گرفت، احساس شدیدی نسبت به تغییر و انقلاب و شورش و اندیشه‌هایی که پیش از این متأثر از شعر محمود حسن اسماعیل و علی محمود طه بود به وجود آمد. این اندیشه و احساس عاشقانه توانست انقلابی خارق‌العاده در مفاهیم شعری و پایه‌های ذوق هنری در شعر معاصر عربی ایجاد کند و در نتیجه این تأثیرگذاری معلوم شد که همه چیز می‌تواند تغییر یابد. شعر دگرگون شد و علیه مکتب ادبی سنتی و کلاسیک قیام کرد و ساختار آن را تغییر داد. طبیعتاً نوگرایان موجب شدند که عقب‌ماندگی گرایش‌های عاشقانه معاصر در برابر قالب‌های بلاغت، انکار نفس و روی آوردن به احساسات جبران شود؛ «زیرا شعر کهن را یک سازه ذهنی خشک و بی‌روح می‌دانستند که می‌تواند عواطف آنها را برانگیزد» (الورقی، ۱۹۸۴: ۱۵۵-۱۲۴). به همین دلیل، رویکردی عاشقانه نیز در پیش گرفتند و شورش خود را تقویت کردند.

نازک الملائکه یکی از شاعران معاصر عراق است که شورش او کاملاً تحت تأثیر مکتب رمانتیک بود. از آنجایی که نازک اندکی پس از جنگ جهانی اول به دنیا آمد، باعث شد در این دوران از این مکتب بهره بیشتری ببرد؛ یعنی شکاف بین جنگ جهانی اول و دوم که اوج تأثیر شاعران معاصر از مکتب رمانتیسم بود؛ زیرا به گفته وی «در جوانی اشتیاق و میل شدیدی به مکتب رمانتیک در او وجود داشت» (الملائکه، ۱۹۹۷، ص ۹/۱). نازک به شعر شاعران رمانتیک عرب چون علی محمود طه، محمود حسن اسماعیل، عمر ابی ریشه و بشاره الخوری علاقه داشت و از دوران دبیرستان به مطالعه آنها پرداخته بود. علاقه و شناخت او به این مکتب خیلی زود او را به مخالفت و اعتراض به هرج و مرج سیاسی و اجتماعی تشویق کرد. وی در دیوان شطایا و الرماد به یاد حقایق زندگی و نافرمانی‌های اجتماعی و اخلاقی می‌افتد یا در شعر درخت ماه (شجره القمر) به مسائل سیاسی توجه می‌کند.

رمانتیسم همراه با احساسات و عواطف لطیف زنانه توانست بر تجربه شعری او تأثیر بگذارد و سایه‌ای از غم بر شعر او افکند و او را وادار به طغیان علیه خود و زمانه‌ای کند که در آن بود. در برخی از این موارد، عواطف زنانه او در اندیشه عاشقانه‌اش کاملاً محو می‌شود و این همان چیزی است که او را از دیگر شاعران شورشگر و ناسازگار مانند البیاتی متمایز می‌کند؛ زیرا به گفته مصطفی هداره «زنان احساسات و عواطف قوی‌تری نسبت به مردان دارند. آنها این کار را کردند و این همان چیزی است که زنان را از مردان تأثیرگذارتر می‌کند. مکتب رمانتیک که یک مکتب تخیلی با جهت‌گیری رویایی است» (همان: ۴۸) شناخت او از این مکتب نسبت به زمان کنونی خود بدین می‌کرد و همین امر او را غمگین و اندوهگین می‌ساخت. باید غمگین می‌بود؛ چرا که زمان برای او و برای مردم آهسته و تلخ می‌گذشت و گویی هر دقیقه آن مانند یک قرن بود، قرنی پر از خستگی و تلخی و احساس می‌کرد هر روز بیشتر فراموش می‌شود. تمام رنگ‌های روشن، تیره و تار می‌شوند؛ به طوری که زندگی به یک توهم و اینکه زمان سرابی بیش نیست، تبدیل می‌شود:

«و مرّ علی زمان بطیء العبور

دقائقه تتمطی ملالاً كأنّ العصور

هنالک تغفو و تنسی مواکبها أن تدور

زمان شدید السواد و لون النجوم

یذکرنی بعیون الذئاب

وضوء صغیر یلوح وراء الغیوم

عرفت به فی النهایه لون السراب و وهم الحیاه

فواخیتاه» (الملائکه، ۱۹۹۷، ۲/۹۹).

«زمان برای من به کندی می‌گذرد و دقایق به گونه‌ای می‌گذرد که گویی هر یک از آنها خسته شده‌اند. قرن‌هاست آنجا کاروان‌هایش حرکت را فراموش کردند و روزگارش به سیاهی و تاریکی تبدیل شده است. رنگ ستارگانش مرا به یاد چشمان گرگ می‌اندازد و نور ضعیفش پشت ابرها چشمک می‌زند و بالاخره سراب زندگی و توهم آن را به آن رنگ می‌شناسم پس وای بر این ناامیدی!»

مکتب رمانتیسم تصویری زیبا از دوران خود ترسیم کرد و به روزگاری اعتراض کرد که مردمانش همه ساکت و راکد بودند، بدون هیچ حرکتی. آشفتگی، زندگی آنها را با رنگ سیاه پوشاند، روزگاری که ناجیانش گرگ‌هایی بودند که برای نجات مردم و هدایت آنها فریاد می‌زدند، اما متأسفانه در این روزگار، هیچ نور امیدی وجود ندارد که بتوان از طریق آن به حقیقت زندگی پی برد.

تأثیر رمانتیسم بر شورش نازک در بیشتر دیوان‌های شعری او رنگی از سیاهی انداخته «به همین دلیل او همانند شاعران رمانتیک همچون جبران و ابی‌ال‌قاسم شابی از روز گریزان بوده و به شب که نماد غم و اندوه است پناه می‌برد» (راضی جعفر، ۱۹۹۹: ۱۰). تأثیر این مسئله در بیشتر قصیده‌های ناسازگارانه او دیده می‌شود و سکوت شاعر را به نوعی از شورش خاموش سوق داده است:

«وَقَفَّتْ فِي الدَّجَى تَحْسُ الْأَسَى الْمَرَّ

و تَبْكِي فِي مَسْمَعِ الظُّلُمَاتِ

و تَرَى بِالْخِيَالِ مَاحِلًا بِالْقَرِيَةِ

و الْبَائِسِينَ مِنْ وَيَلَاتِ» (همان، ۱/۲۴۷).

«در تاریکی شب می‌ایستد در حالی که غم و اندوهی تلخ را احساس می‌کند و در گوشه تاریکی می‌گرید و در خیال می‌بیند آنچه از مصیبت بر روستا و بیچارگان به جا مانده است.»

نازک، آنچنان در اندیشه رمانتیک فرو رفته که همیشه خود را همنشین و همراز شب می‌داند تا با آن در سکوتی معنادار و عمیق فرو رود و در واقع نشان دهد که سکوت او و شب از روی رضایت نبوده؛ بلکه شورش آنها علیه ناامیدی از روزگار کنونی آنهاست که نه تنها به آینده سودی نمی‌رساند بلکه خاطرات طلایی گذشته را نیز به فراموشی سپرده است:

«كَانَ فِي اللَّيْلِ جَمُودَ لَا يُطَاقُ

كَانَتْ الظُّلْمَةُ أَسْرَارًا تُرَاقُ

كَانَتْ وَحْدِي لَمْ يَكُنْ يَتَّبَعُ خَطْوِي غَيْرَ ظِلِّي

أَنَا وَحْدِي، أَنَا وَاللَّيْلِ الشَّتَائِي ... وَظِلِّي» (همان، ۲/۱۷۳).

«در شب، سکوت و رکودی است که طاقت‌فرساست، تاریکی شب اسراری است که فاش می‌شود؛ من تنها بودم و کسی جز سایه‌ام دنبال گام‌هایم نمی‌آمد، من تنهایم، من و شب زمستانی ... و سایه‌ام.»

تأثیر رمانتیسم بر ناسازگاری نازک را می‌توان در بیشتر قصیده‌های او احساس کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قصیده‌های «مرّ القطار» (همان: ۶۵-۶۱)؛ «الخيطة المشدود في شجرة السرو» (همان: ۱۹۶-۱۸۷)؛ «ثلاث أغنيات عربية» (همان: ۴۹۸-۴۹۲) اشاره کرد.

عبدالوهاب البیاتی یکی دیگر از شاعران نوگراست که شناخت مکتب رمانتیک او را به نافرمانی سیاسی کشاند. اگرچه روابط او با شاعران کمونیست و اقامت طولانی‌اش در مسکو باعث شد که بسیاری «او را شاعری متأثر از مکتب مارکسیست بدانند نه مکتب رمانتیک» (الصائق: ۴-۸)، اما شعر او تهی از تأثیر رمانتیسم نیست. مارکسیسم در مرحله دوم زندگی او و به

دلیل مواضع سیاسی که ایجاد کرد رخ داد. غیر از این، به باور برخی پژوهشگران «تفکرات رمانتیسیم او را به شورش اجتماعی سوق داد و باعث بیگانگی اجتماعی او شد. بیگانگی او را متأثر از مضامین شعر عاشقانه‌اش می‌دانند» (الجبوسی، ۲۰۰۱: ۲۶).  
البیاتی مانند گوشه‌نشین‌ها، اعتقاد خاصی به شب دارد. شب را مایه آرامش می‌داند؛ زیرا ظلم ستمگران و بدبختی مردم را در آن نمی‌بیند و از صبح که مظهر حیات و نور است، بیزار است:

«أمنت باللیل الذی لایتهی

و دفنت فی جنح الظلام صباحی

و ...

و حطمت من فزع الرؤی مصباحی

و نهزت فی الظلام مشاعری

حتى تخضّب ماؤه بجراحی» (البیاتی، ۱۹۹۵: ۱/، ۳۹ و ۴۰).

«به شب بی‌پایان پناه بردم و در تاریکی شب، صبح را پنهان کردم و از دیدن می‌ترسیدم، پس چراغم را پوشاندم و احساساتم را در رودخانه تاریکی بیدار کردم تا آب زخم‌هایم را رنگین کرد.»

بیاتی تحت تأثیر رمانتیسیم به نافرمانی اجتماعی می‌پردازد و به دردهای اجتماعی که نماد طبیعت است متوسل می‌شود و از خون‌آلود شدن زخم‌هایش از میخ‌های رودخانه اندوهگین می‌گردد. شب با رنگ خون آمیخته، گویی شب رنگ سیاه خود را از رنگ خون زخم‌هایش عاریت گرفته است.

او در شعر «الموت فی الخریف» تصویری غم‌انگیز و دردناک از شب‌های پاییزی روستا نشان می‌دهد که درختان بلوط غمگین هستند، ابرها می‌گریند و پرندگان لانه خود را بر روی درختانی از خون و دود ساخته‌اند:

«عیناک فی لیل الخریف إلی المدی تتطلعان

ماذا وراء الربوة الحمراء غیر السندیان

وسحائب تبکی و مدخنه و حان

تبنی لأمر ما علی شباکه عصفورتان

عشاً من الدم و الدخان

وأنت کالحلم المسحی، ذأبل، دامی الجنان» (همان: ۲۴۱).

«چشمانت تا ابد در شب پاییز می‌درخشد. پشت آن تپه قرمز جز درختان بلوط چیست؟ ابرها گریه می‌کنند، کافه‌ها در روستاها ساخته می‌شوند و پرندگان بر پنجره‌هایشان لانه‌هایی از خون و دود می‌سازند. تو مثل رؤیای محوشده‌ای و دلی خون‌آلود داری.»

این کلمات و عبارات عاشقانه در اندیشه بیاتی تأثیر زیادی می‌گذارد تا جایی که او همه چیز را درمی‌یابد. حس عاشقانه بیاتی در میانه شعر لطافت خود را از دست می‌دهد و کلام و عبارات او تبدیل به خشم و نفرت می‌شود. او از نظر روانی شورش می‌کند و شخصیتش در میان درد مردم عراق حتی با طبع دروغین فراموش می‌شود و همچنین پاسخی نمی‌دهد:

«من ألف ألف و الحیاء، عنانها بید الرغیف

یا أنت، یا هذا الرغیف لکم تخیف!

و تردد الأصداء: «یا هذا الرغیف! لکم تخیف» (همان: ۱۷۵).



«از هزاران هزار سال و زندگی زمامش در کف نان است، ای نان! چقدر می ترسی؟ سپس صدا برگشت: نان، چند وقت است می ترسی؟»

البیاتی با استفاده از روش طرد، اندیشه عاشقانه خود را تقویت می کند و با حذف «من و تو» در ابیات شعر، می خواهد عصیان خود را در برابر درد و رنجی مردم نشان دهد. مردمی که اغلب تسلیم شده اند اخلاق را فراموش کرده اند و تنها یکی از آنها در رنج و ناله و عذاب باقی مانده است. تأثیر رمانتیک بر تناقضات بیاتی تنها به این اشعار محدود نمی شود، بلکه در شاهکارهای او نیز به چشم می خورد و موارد دیگر، مانند شعر «ماه در حال زوال» (همان: ۱۱۳/۲)، «مرگ و انقلاب» (۱۵۵-۱۵۲) و «کاهنان» (۲۰۹-۲۱۱) را می توان به وضوح مشاهده کرد.

## ۲-۲. مسائل و نابسامانی های سیاسی و اجتماعی

از دیگر عواملی که باعث شد تا شاعران نوگرای عراق به ناسازگاری روی بیاورند، عوامل سیاسی است که به شکل استعمار و استبداد جلوه یافته است. بدون شک، ظلم و ستم هر انسان آزاده ای را به خشم و اعتراض وادار می سازد، خواه این ظلم از جانب بیگانگان باشد که استعمار نام دارد و خواه از جانب حاکمان داخلی صورت پذیرد که از آن می توان به استبداد یاد کرد. استعمار و استبداد مکمل یکدیگر هستند و گاهی نیز استبداد زائیده استعمار به شمار می رود. استعمارگران برای اینکه بتوانند نقشه های شوم خود را در یک کشور پیاده کنند نیاز به حاکمان مزدور و مستبدي دارند که دست نشاندۀ آنها باشند تا بعد از اینکه آن کشور مستعمره آن ها گردید، مجری برنامه هایشان گردد. به همین خاطر هر زمان که استعمار و استبداد کنار هم قرار گیرند بسیار مخرب خواهد بود. اگر به تاریخ سیاسی عراق نگاه شود، خواهیم دید که استبداد همیشه به دنبال استعمار به وجود آمده است. از دوره عثمانی تا سرنگونی حکومت صدام حسین همیشه استعمار و استبداد بر این کشور سایه انداخته است.

استعمار برای رسیدن به اهداف خود کوشید تا نقشه های خود را در میان کشورهای تحت ستم عملی کند و طرح های خود را مانند جنگ جهانی اول و دوم به راه انداخت و در نتیجه برخی از کشورهای عربی مانند فلسطین و عراق و کشورهای دیگر را به اشغال خود درآورد. سوریه، لبنان، مصر، الجزایر و نظیر آنها هر روز با درگیری های سیاسی روبه رو هستند. استبداد داخلی با پیدایش حاکمان خون آشام، با کشتار، فشارهای روزافزون بر مردم از جمله مالیات، واگذاری بسیاری از سرزمین ها به بیگانگان و جنگ قدرت داخلی، فقر و بدبختی را پیشاپیش برای مردم به وجود آورد. این عوامل خشم شاعران و نفرت آنان از سیاست خارجی و داخلی عراق را برانگیخت و منجر شد: «شاعران تجددخواه عراقی باید به عنوان پیشگام بر ضد آنها قیام کنند و نمونه هایی از آن را در شعر خود منعکس کنند، جامعه ای که عراق از آن رنج می برد از این زخم ها سرچشمه می گیرد و از این زخم ها عصیان می آید و غم و اندوه را با خود می آورد و همین باعث خلق شعر می شود، شعری که جهانی می شود» (الصائق، : ۷۶). همین عوامل باعث می شود که این شاعران به عصیان سیاسی روی آورند.

شکی نیست که درد و رنج و مشکلاتی که افراد این جوامع در معرض آن هستند بیش از دیگران است. شاعران متعهد جو جامعه را می توانند طغیانگرانه کنند. جو ناسالم سیاسی بر اثر ورود انگلیسی ها باعث ایجاد نظام های طبقاتی و اجتماعی نادرست در عراق شد و از سوی دیگر، حاکمان مستبد عراق از جامعه جدا شده و تنها به فکر حزب سیاسی خود بودند. این عوامل نتایجی چون فقر، گرسنگی، گدایی در میان مردم، گمراهی و انحراف همه طبقات، نادیده گرفتن حقوق دهقانان و زنان، غارت وطن، تبعیض طبقاتی بین مردم و بی عدالتی، نفاق و تزویر را در پی داشت.

این مسائل باعث شد شاعران خلاق عراق که دردها و رنج‌های انسانی را می‌دیدند، قیام کنند و بسیاری از اشعار خود را که منعکس‌کننده این دردهاست، بسرایند. آنها علیه این آشفتگی‌های اجتماعی قیام کردند و سعی کردند جامعه کنونی عراق را اصلاح کنند و ساختار آن جامعه را بر اساس دموکراسی سالم که شخصیت انسانی و نیازهای انسانی را در نظر می‌گیرد، احیا کنند. از این رو خود را مدافع مردم می‌دانستند و در جایگاه شاعران اجتماعی و سیاسی این مسائل را در شعر خود منعکس می‌کردند که در ادامه منجر به شورش اجتماعی شد؛ بنابراین، تقلیدگرایی صرف از ساختار ادبی سنتی، آشنایی با مکتب‌های ادبی بخصوص رمانتیسم، علل و عوامل سیاسی و دردها و رنج‌های اجتماعی شاعران نوگرای عراق همچون نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی را به ناسازگاری واداشت تا سعی در اصلاح آنچه برای مردم عراق و دیگر کشورهای عربی مفید است، کنند و این تلاش به سه گونه شورش ادبی، سیاسی و اجتماعی نمود یافته است.

### ۳-۲. ناسازگاری سیاسی

شاعران معاصر عراق نه تنها ساختار حوزه ادبی را شکستند، بلکه به وضعیت سیاسی موجود اعتراض کردند. سیاستی که جامعه عراق و عرب را به وابستگی سیاسی، اقتصادی و علمی سوق می‌داد و جامعه عرب را در انزوا و عقب‌ماندگی قرار داده بود. شورش شاعران عراقی متوجه سیاست خارجی و داخلی است که هر دوی این سیاست‌ها نه تنها از نظر شاعران، بلکه در نظر هر عرب دیگری مردود و منفور است.

نازک الملائکه برای نتایج جنگ جهانی دوم جز کشتن بی‌گناهان و آواره شدن در صحراها و نوحه‌خوانی و گریه و اندوه نمی‌بیند. او در شعر «جنگ دوم» به این جنگ اعتراض کرد و گفت:

«أسفاً ضاقت الميادين بالقتلى

و ما عاد يدفن الأموات

في سفوح الجبال تحت ذرى الأشجار

خلف القصور و الاكواخ

ليس غير الموتى عظاماً و أشلاء

و غیر اکتبه و صراخ» (الملائکه، ۱۹۹۷: ۱/ ۴۴ و ۴۵).

«دردا و دریغا که میدان‌ها از کشته‌ها پر شده است و مردگان هنوز دفن نشده‌اند، در سینه کوه‌ها و زیر درختان بلند و پشت قصرها و کلبه‌ها چیزی جز استخوان، لاشه مردگان و درد و فریاد وجود ندارد.»

نازک الملائکه معتقد است که جنگ جهانی دوم عامل همه ویرانی‌ها و ناامیدی‌هایی است که همه چیز را از طراوت و مدرنیته دور کرده است. جنگ طراوت، طبیعت، امیدها و رؤیاهای جوانی و زمزمه‌های شاد کشاورزان که در زمان خرمن‌کوبی زیبا بود، از مردم گرفت و به یأس و ناامیدی تبدیل کرد تا جز گرسنگی و فقر چیزی از مال دنیا باقی نماند.

عبدالوهاب البیاتی نیز جنگ جهانی دوم را بازی استعمارگران می‌داند که با برافروختن آن، اهداف اقتصادی و سیاسی خود را دنبال می‌کنند، غافل از فجایع این جنگ برای مردم. به نام دموکراسی، اصلاحات و توسعه، جنگ به راه می‌اندازند و شهرها و روستاها را به ویرانه تبدیل می‌کنند.

«یشرون بالعالم الحر، العبيد

و بمعجزات دولارهم أمل الشعوب» (البیاتی، ۱۹۹۵: ۱/ ۲۲۳)

«بردگی را به دنیای آزادی بشارت می‌دهند و با معجزات دلارهایشان امید به ملت‌ها را مژده می‌دهند.»

البیاتی برای این جنگ که دزدان و تاجران اروپایی اداره می‌کنند هدفی جز ریختن خون مردم و پایمال کردن حقوقشان نمی‌بیند:

«لصوص أوروبا من التجارِ

من مجرمی الحروب

و شاربی الدماء» (همان: ۲۶۵).

«آنان دزدان اروپایی از تاجران و جنایتکاران جنگی و خون‌آشامان هستند.»

البیاتی جنگ جهانی را مرگی بر سر مردم عراق و دیگر اعراب می‌داند، برای رسیدن بنیان‌گذاران جنگ به اهداف خود که مردم بی‌گناه باید بهای آن را بپردازند. افرادی که به اندازه کافی در زندگی خود دچار بدبختی شده‌اند و چهره‌ای شبیه مردگان یافته‌اند.

#### ۲-۴. ناسازگاری اجتماعی

همانطور که پیشتر بیان شد جامعه عراق از دوره عثمانی شاهد تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری بوده است و این تغییرات در قرن بیستم با ظهور شعر نو افزایش یافت. وضعیت اجتماعی عراق در واقع محصول موقعیت سیاسی آن بود، به همین دلیل شاهد دردها و رنج‌های اجتماعی، انسانی، اخلاقی و فرهنگی زیادی بود. پرداختن به این واقعیت‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های اصلی شعر نو بود؛ زیرا شاعران نوگرای عراقی خود را بخش لاینفک جامعه می‌دانستند و درد جامعه را درد خود می‌دانستند. شاعران در فضایی متفاوت از محیط اطراف خود به دردها و گرفتاری‌های جامعه پی بردند و در شعر خود منعکس کردند و علیه آنها قیام کردند.

نازک الملائکه در شعر «در دهات» تصویری زیبا از روستا و مردمانش را ترسیم می‌کند و روستا را بهشتی روی زمین می‌داند که صدای پرندگان، سایه درختان، جاری شدن رودخانه‌ها و... بوی شیرین گل و میوه را در دل هر انسانی زنده می‌کند. اما این بهشت زمینی جای خود را به فقر و فلاکت با نظام‌های سیاسی ناعادلانه داد:

«إنّ هذا الفردوس ينقصه الإنسان

يصحى ضياءها و يندی

تلک اکواخهم حصیر و احجار

و بؤس مخیم لایزاح

تخجل الشمس أن تمرّ علیها

و یحید الضحی و یکبو الصباح

عُرف رتّه المداخل و الجدران

سود تجول فیها الرّیاح

فی دجاها یعیش قوم جیاع

نصبت فی أیدیهم الأقداح» (الملائکه، ۱۹۹۷: ۱/ ۴۳۹).

«همانا انسان، این بهشت را تباہ می‌کند و نور و طراوتش را صاف می‌کند؛ کلبه‌ها از حصیر و سنگ است؛ بیچارگانی که چادر برپا کرده‌اند و کوچ نمی‌کنند و خورشید شرم می‌کند که بر آنها گذر کند؛ چاشتگاه از کنارش می‌گذرد و صبح خاموش

می‌گردد و اتاق‌هایی که دهلیزهایش کهنه و دیوارهای سیاهی که باد در آن جولان می‌زند، در تاریکی آن قومی گرسنه زندگی می‌کنند که پیاله‌ها در دستان آنها فرو می‌رود.»

نازک الملائکه در برابر فقری که روستاییان از آن رنج می‌برند شورش می‌کند. این روستا محبوب است و نمادی از عراق است که پس از آن همه حاصلخیزی و سرسبزی و با همه منابع غنی، اکنون به ویرانه‌ای تبدیل شده است که مردم در آن به سختی زندگی می‌کنند. کاخ‌هایشان تبدیل به خیمه‌های قدیمی شده است که حتی آفتاب هم خجالت می‌کشد بر آن بتابد و اتاق‌هایی بدون در دارند که باد از هر طرف آن می‌وزد و دستانشان از خستگی و تلاش مفرط به شدت ترک خورده است و فنجان‌ها در شکاف دستانشان غرق می‌شود.

عبدالوهاب البیاتی همچنین چهره زشت فقر را در سرزمین عراق می‌بیند، مردم غمگین و ناامید را به تصویر می‌کشد که در سکوت، ناشناس و بدون کفن می‌میرند، دفن می‌شوند و کسی به آنها نمی‌رسد.

«أهذا الثلج من برد لياليك؟

أهذا الفقر من جود أباديك؟

علی بویا ابه اللیل

یسابق ظلّه ظلی

و یقبع ساغباً عریان فی الحقل

و یتبعنی الی النهر

أهذا الحجر الصامت من قبری؟

أهذا الزمن المصلوب فی الساحات من عمری

أهذا أنت یا فقری

بلا وجه بلا وطن» (البیاتی، ۱۹۹۵: ۲/ ۴۲).

«آیا این یخ از سردی شب‌های توست؟ آیا این تهیدستی از بخشش دستان توست؟ بر آستانه شب، سایه‌اش بر سایه من سبقت می‌گیرد و گرسنه و برهنه در مزرعه می‌رود و تا رودها مرا دنبال می‌کند؛ آیا این سنگ ساکت از گور من است؟ آیا این زمان، که در میدان‌ها مصلوب شده است از عمر من است؟ آیا این تویی، ای تهیدستی من! بی‌چهره و بی‌وطن هستی.»

البیاتی علیه فقر قیام می‌کند و می‌گوید:

«لو أن الفقر إنسانٌ

إذن لَقَتَلته و شربت من دمه

لو أن الفقرَ إنسان.» (همان: ۴۳).

«اگر فقر انسان بود به کشتنش اجازه می‌دادم و خورش را می‌آشامیدم، اگر فقر انسان بود.» او به خاطر اینکه بتواند چهره فقر را از روی مردم بزدايد حاضر است که جانش را فدا کند تا شاید دوباره آن رستاخیز به سرزمین عراق بازگردد.

### ۳. نتیجه‌گیری

نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی دو تن از پیشگامان عراق مدرن و از شاعران ناسازگار و شورشی در قرن بیستم به شمار می‌روند. این شاعران با نگاهی خاص به مسائل و با تأثیرپذیری از مکتب رمانتیسم، واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جهان معاصر را درک کردند و توانستند با ساختارشکنی از اساس شعر سنتی عربی، شعر نو عربی را به سطح بالایی برسانند تا با انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی درون شعر بتواند بسیاری از دغدغه‌های دنیای مدرن را با نوآوری پاسخ دهند.

سنت جدایی طلبانه شاعران نوگرای عراقی، افرادی مانند اونسی الحاج، یوسف الخال، ابراهیم چاکرا، آدونیس و دیگران را بر آن داشت تا سبک نوآوری خود را دنبال کنند و به ساختار جدیدی روی آورند، چه در زمینه اجرا و چه در میدان موسیقی، از این رو در شعر عربی شعر جدیدی به نام شعر متثور معروف شد.

تضاد شاعران نوگرای عراقی و نتایج ادبی آنها، اعراب و به ویژه مردم عراق را از بیداری و هوشیاری سیاسی و اجتماعی برخوردار کرد تا مانند گذشته حکومت حاکمان سیاسی و استعمارگران خارجی را نپذیرند. علاوه بر تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی، علیه نقشه‌های استعمارگران و دیکتاتورهای قیام می‌کنند و آزادی از دست رفته خود را به دست می‌آورند. اعتراض آنها باعث شد ناهنجاری‌ها و انحرافات در رفتار اجتماعی با هوشیاری خاصی از بین برود. این جنبش باعث حفظ شخصیت و طبقات مردم شد. مردم عادی شخصیت فراموش شده خود را پیدا کردند. شورش شاعران نوگرای عراق نتایج ارزشمند بسیاری برای مردم به بار آورد. شاعران از رنج‌هایی چون زندان، آوارگی، تبعید و فقر رنج می‌برند؛ اگرچه آنها معتقد بودند که این عذاب‌ها برایشان بسیار شیرین‌تر از سکوت مرگبارشان است، اما همیشه به دلیل شورش‌های سیاسی از کشوری به کشور دیگر تبعید می‌شدند، اغلب شناسنامه‌هایشان را باطل می‌کردند و بارها تا آخر عمر زندانی می‌شدند. آنها بر اثر بیماری می‌مردند و از نظر روحی و روانی در غربت فقیرانه بودند. سرگردانی‌های سیاسی و اجتماعی شعرشان را غمگین، عاطفی، مبارزاتی و انقلابی کرد و بدبینی را در آن افزایش داد. فشارهای سیاسی آنها را به استفاده از اسطوره، رمزها و تکرار در عصیان خود سوق داد و به همین دلیل شعر آنها با وجود سادگی، دارای درجه‌ای از رمز و راز و پیچیدگی است. تضاد آنها را با عنوان شاعران اجتماعی و سیاسی در ادبیات جدید عراق مشهور کرد و به الگویی برای شاعران جوان و انقلابی در دیگر کشورهای عربی تبدیل کرد.

## منابع

- بندریگی، محمد (۱۳۷۴). *منجد الطلاب*. چ. یازدهم. قم: انتشارات اسلامی.
- البیاتی، عبد الوهاب (۱۹۹۳). *تجربتی الشعریة*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- البیاتی، عبد الوهاب (۱۹۹۵). *الاعمال الشعریة*. مجلدان. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- غویر، بر، (۱۹۷۶). *اساطیر الاغریق و الرومان*. ترجمه حسنی فریز. عمان: دائرة الثقافة و الفنون.
- فاروق، القاضی (۲۰۰۴). *آفاق التمرد*. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- قدوره، زاهیه (۱۹۷۵). *تاریخ الادب الحدیث*. بیروت: دار النهضة العربیة.
- کندی، محمد علی (۲۰۰۳). *الرمز و القناع فی الشعر العربی الحدیث*. بیروت: دارالکتاب الجدید المتحد.
- لمعوش، سالم (۲۰۰۶). *بدر شاکر السیاب (دراسة فی تجربه السیاب)*. بیروت: مؤسسة بحسون.
- مطلوب، احمد (۱۹۸۶). *النقد الادبی الحدیث فی العراق*. مصر: مطبعة الجبلای.
- المعوش، سالم (۲۰۰۳). *شعر السجون فی الادب العربی الحدیث و المعاصر*. بیروت: دار النهضة العربیة.
- الملائکه، نازک (۱۹۹۷). *دیوان*. مجلدان. بیروت: دار العوده.
- الملائکه، نازک (۱۹۸۹). *قضايا الشعر المعاصر*. بیروت: دار العلم للملایین.
- منیف، موسی (۱۹۸۴). *نظریة الشعر*. بیروت: دارالفکر.
- المهنا، احمد عبدالله (۱۹۸۶). *مجلة الشعر (مجلة فصلیة مصریة)*. قاهره، عدد ۱.
- موریة، س (۱۹۸۶). *الشعر العربی الحدیث (تطور اشکاله و موضوعاته بتأثیر الادب الغربی)*. ترجمه شفیع السید و سعد مصلوح. قاهره، دارالفکر العربی.

النصیر، یاسین (۲۰۰۲). *مجلة الطریق*. مقالة ضلع المربع الدائری. بغداد. عدد ۵.  
 النویهی، محمد (۱۹۷۱). *قضية الشعر الجدید*. بیروت: دارالفکر.  
 هداره، محمد مصطفی (۱۹۹۴). *بحوث فی الادب العربی الحدیث*. بیروت: دارالنهضة العربیة.  
 الوردی، علی (۱۹۹۸). *دراسة فی المجتمع العراقی*. قم: المكتبة الحیدریة.  
 الورقی، سعید (۱۹۸۴). *لغة الشعر العربی الحدیث*. بیروت: دارالنهضة العربیة للطباعة و النشر.  
 یوسف، عزالدین (۱۹۶۵). *الشعر العراقی الحدیث و اثر التيارات الاجتماعیة و السیاسیة فیہ*. قاهره: الدارالقومیة للطباعة و النشر.

## References

- Al-Bayati, A. W. (1993). *My Poetic Experience*. Beirut: Arab Institution for Studies and Publishing .  
 Al-Bayati, A.I W. (1995). *Poetic Works*. Beirut: Arab Foundation for Studies and Publishing, two volumes.  
 Al-M'oush, S. (2006). *Badr Shaker Al-Sayyab (A Study of Al-Sayyab's Experience)*. Beirut: Bahsoun Foundation .  
 Al-Ma'oush, S. (2003). *Prison Poetry in Modern and Contemporary Arabic Literature*. Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya.  
 Al-Malaika, N. (1989). *Issues of Contemporary Poetry*. 8<sup>th</sup> Edition. Beirut: Dar Al-Ilm for Mallain.  
 Al-Malaika, N. (1997). *Diwan*. 2 Vols. Beirut: Dar Al-Awda.  
 Al-Muhanna, A. A. (1986). *Poetry Magazine (An Egyptian Quarterly Magazine)*. Cairo. No. 41.  
 Al-Nasair, Y. (2002). *Al-Tariq Magazine, Article on the Side of the Circular Square*. Baghdad. No. 5 .  
 Al-Nawahi, M. (1971). *The Case of New Poetry*. 2<sup>nd</sup> Edition. Beirut: Dar Al-Fekr.  
 Al-Wardi, A. (1998). *A Study in Iraqi Society*. Qom: Al-Haydariya Library.  
 Al-Warqi, S. (1984). *The Language of Modern Arabic Poetry*. 3<sup>rd</sup> Edition. Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabi for Printing and Publishing.  
 Bendrighi, M. (1995). *Munjid al-Tollab*. 11<sup>th</sup> Edition. Qom: Islamic Publications.  
 Farouk, Al-Q. (2004). *Horizons of Rebellion*. Beirut: Arab Foundation for Studies and Publishing.  
 Gower, B. (1976). *Greek and Roman Myths*. Hosni Fariz (Trans.). Omman: Department of Culture and Arts.  
 Haddara, M.M. (1994). *Research in Modern Arabic Literature*. Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabi .  
 Kendi, M.A. (2003). *Symbol and Mask in Modern Arabic Poetry*. Beirut: New United Book House.  
 Matloub, A. (1986). *Modern Literary Criticism in Iraq*. Egypt: Al-Hablawi Press .  
 Moreya, S. (1986). *Modern Arabic Poetry (The Development of Its Forms and Topics Under the Influence of Western Literature)*. Shafi' al-Sayyid and Saad Masluh (Trans.). Cairo: Dar al-Fekr al-Arabi.  
 Munif, M. (1984). *The Theory of Poetry*. Beirut: Dar Al-Fekr.  
 Qadoura, Z. (1975). *History of Modern Literature*. Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabi .  
 Youssef, E. (1965). *Modern Iraqi Poetry and the Impact of Social and Political Currents on It*. Cairo: National Printing and Publishing House.

نحوه ارجاع به مقاله:

دادفر، حمید؛ جهانی، هدیه (۱۴۰۲). جستاری در اشعار نازک الملائکه و عبدالوهاب البیاتی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۳ (۴۹)، ۹۴-۱۰۷.

Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979884

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

